

## کافه خاطره صبا، گفت‌وگو با امیرحسین قهرایی بازیگر و کارگردان

# بخاطر اختلاف سلیقه

# از «بیرنگ» و «رسام» جدا شدم

احمد محمداسماعیلی  
گزارش

پشت مجموعه‌های موفق و نوستالژی یکی مثل چاق و لاغر و دوربین مخفی مرد لاغر و ریز اندامی وجود دارد که ذهنی خلاق با هوش

بالایی دارد و قدرت طنز و بداهه‌اش درجه یک است و می‌داند که چگونه آدم عادی تا هنرمند در دوربین مخفی‌هایش سر کار بگذارد تا بتواند برنامه‌های جذابی خلق کند. نام این مرد امیرحسین قهرایی است که فارغ‌التحصیل رشته کارگردانی از انگلستان است و چهار سال قبل اولین فیلم سینمایی کودک و نوجوانش با عنوان «باز بگو» را ساخت و در جشنواره کودک اصفهان دیده شد و تعدادی جوایز اصلی را برایش به ارمغان آورد. با قهرایی که پشت سر تولید خیلی از تیزرهای بازرگانی تلویزیون است در باره فعالیت‌های کاری‌اش گفت‌وگویی انجام داده‌ایم.

### بعد از اتمام تحصیلات در انگلستان چه موقع به ایران بازگشتید؟

من برای پایان‌نامه در انگلستان فیلم ۱۶ میلیمتری «مستر لوبی» را ساختم. در آن دوران فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها چند سالی در سمت دستیار کارگردانی فعالیت می‌کردند و بعد فیلم می‌ساختند. سال ۱۳۵۶ به ایران برگشتم و در تلویزیون مشغول به کار شدم. زنده یاد ایرج گرگین از مدیران پیشین تلویزیون، فیلمم را که در انگلیس ساخته بودم دید و خوشش آمد و بلافاصله به قسمت هنر فرستاد شد و من را به خانم لادن ثمری معرفی کرد که در آن زمان مسئول پروژه ساخت چند فیلم درباره نقاشان ایران بود و من هم یک فیلم درباره ملک الشعرای این پروژه ساختم.

### آیا این مستند از تلویزیون پخش شد؟

بله و بعدش فیلم نقاشی قهوه‌خانه‌ای را ساختم. در آن زمان چون سربازی نرفته بودم نمی‌توانستم استخدام شوم بنابراین در آذر ۵۷ رفتم سربازی و با درجه افسری در نیروی هوایی مشغول خدمت شدم و با پیروزی انقلاب به عنوان مازاد شناخته شدیم و کارت پایان خدمت گرفتیم و دوباره رفتم تلویزیون و فیلم «ماجرای رحیم» را برای گروه کودک ساختم. چون آن زمان هنوز حجاب اجباری نبود و بازیگران زن فیلم حجاب نداشتند در اواخر کار مدیر گروه گفت باید بازیگران زن حجاب داشته باشند و فیلم بعد از آمدن قلع و قم شد. فیلمنامه این کار را بیژن بیرنگ نوشته بود و بعدش «هن و منش کاظم» را ساختم.

### آیا با بیژن بیرنگ رفاقت داشتید؟

بعد از فیلم «ماجرای رحیم» رفیق شدیم و از فیلم هم خیلی خوشش آمد.

### چاق و لاغر چگونه شکل گرفت؟

قبل ترش «علی کوچولو» را ساختم که خیلی مورد توجه قرار گرفت. در آن زمان تصمیم داشتم دوباره بروم آمریکا، سیدمحمد بهشتی که مدیر شبکه بود از من پرسید چرا می‌خواهی بری و بهتر است بمانی. در آن برهه فیلمم جایزه بهترین فیلم کوتاه اولین دوره جشنواره فیلم فجر را به دست آورد.

اگر خاطر تان باشد ساختار روایی «علی کوچولو» بر پایه عکس بود که با هم دیزالو می‌شدند و در بک گراندش از نقاشی استفاده کردیم و کارهای نقاشی فیلمم را ابراهیم حقیقی انجام می‌داد که از نیمه کارها کرد. اما درباره «چاق و لاغر» باید بگویم که سری اولش را مسعود رسام و بیژن بیرنگ ساختند. بعد از بازگشت مجدد از آمریکا به سراغ تولید این کار رفتم.

### آیا برای زندگی دوباره امریکارفتید؟

بله، اما از محیط خوشم نیامد و برگشتم. بیرنگ و رسام گفتند که کار ما را دیده‌ای؟ و من گفتم نه آنها نشانم دادند و پرسیدم چرا این دو عروسک نمی‌توانند تکان بخورند و گفتم بهتر است از صورتک عروسک در تن بازیگر استفاده کنیم تا قدرت دوربین و حرکت داشته باشند. آنها گفتند بیا در تیم و هر کاری دوست داری انجام بده. قبول کردم و بعدش شخصیت ماشین (قرقی) را اضافه کردم.

### کار با «قرقی» که یک ژبان بود در آن زمان کار نوآورانه‌ای به نظر می‌رسید؟

قبلا در خارج استفاده شده بود و در فیلمی یک فولکس چنین ویژگی‌ای داشت. اما در ایران برای بار اول بود که چنین مسئله‌ای مورد استفاده قرار گرفت.

### آیا بازیگران فیلم مثل سعید شیخ زاده را خودتان انتخاب کردید؟

بله، من خیلی از بازیگران را بار اول معرفی کردم و بعدا معروف شدند.

### آیا با توجه به موفقیت‌هایی که با «علی کوچولو» و «چاق و لاغر» به دست آوردید پیشنهاد ساخت فیلم نداشتید؟

نه، درگیر تلویزیون بودم و بعدش هم با بیژن بیرنگ و مسعود رسام یک شرکت تبلیغاتی (شبکه) را تاسیس کردیم و مشغول بودم. آن موقع تمایلی برای فیلم سینمایی ساختن نداشتیم.

### برای چه شرکت‌هایی فیلم تبلیغاتی ساختید؟ کفش گام که خیلی معروف شد.

### آیا این نوع شرکتها بازده مالی خوبی داشتند؟ بله، اما بعد از مدتی از بیرنگ و رسام جدا شدم.

### به چه دلیل؟

اختلاف سلیقه پیدا کردیم و جدا شدم.

### بعد از این جدایی با ساخت «دوربین مخفی» وارد فضای جدیدی شدید؟

الگویم دوربین مخفی‌هایی بود که در دهه هفتاد میلادی در انگلستان دیده بودم. سری اول «دوربین مخفی» توقیف شد و گفتند که به حریم شخصی مردم ورود کرده‌ای و کار اشتباهی است. بعدش آقای خامنه‌ای که برای بازدید به تلویزیون آمده بودند در غرفه‌ای بخشی از «دوربین مخفی» پخش می‌شد و ایشان این بخش را دیدند و خوششان آمده بود و به مسئولین گفتند این برنامه مفرح است و مردم را شاد می‌کند و بیشتر از این نوع برنامه تولید کنید و مدیران تلویزیون زنگ زدند قهرایی بیا و ادامه دوربین مخفی را بساز.

### یکی از جذابیت‌های بخش‌های اول «دوربین مخفی» ناشناخته بودن چهره شما برای مردم و سوزها بود که بعد از این رفت و چهره تان شناخته شد؟

بله و به همین دلیل دیگر خودم وارد کار نمی‌شدم و کس دیگری نقش را بازی می‌کرد. یکی از ویژگی‌های دوربین مخفی‌های من صدا دار بودنشان بود. الان اغلب دوربین مخفی‌ها مثل کارهای جاس فورلند بدون صداست. ویژگی کارهای من وجود یک آدم است که اتفاقی برایش رخ می‌دهد که تا به حال برایش پیش نیامده و عکس‌العملش می‌شود محور جذابیت دوربین مخفی‌ها، اما

